

پیروزی های گذشته در حال حاضر دیگر جالب به نظر نمی رسند

مصاحبه با ایلدار ماولیوتوف (از سایت فدراسیون شمشیربازی روسیه)

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۳۹۸/۸/۸)

این مصاحبه باورنکردنی ایلدار ماولیوتوف توسط تاتیانا کولچانووا در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۱۹ در وبلاگ شمشیربازی روسیه بارگذاری شد. ایلدار ماولیوتوف یکی از مربیان سرشناس شمشیربازی روسیه است که مربی اینا دریگلزوا می باشد. اینا قهرمان فلوره المپیک ۲۰۱۶، و نفر اول شش دوره مسابقات قهرمانی شمشیربازی جهان است.

آموختن چیزهایی از بهترین ورزشکاران و مربیان جهان همیشه جذاب است، و ایلدار ماولیوتوف و اینا دریگلزوا به طور قطع ثابت کرده اند که برجسته ترین شخصیت های جهان شمشیربازی هستند. برخی دریگلزوا را به نام "الهه شمشیربازی" خوانده اند. آنها هر دو در شهر کوچک کورچاتوف، که نزدیک کورسک یکی از شهرهای روسیه، که به دلیل نبردهای جنگ جهانی دوم مشهور است، زندگی می کنند. کورچاتوف شهری است بسیار کوچک که دارای جمعیتی بیش از چهل هزار نفر است، اما در عین حال زادگاه چندین قهرمان شمشیربازی فلوره جهان و اروپا است که توسط ایلدار ماولیوتوف پرورش یافته اند. از آنجایی که او در این مصاحبه نظر خود در مورد تمرین و انگیزه اش در شمشیربازی، با ارائه مثالی از بهترین شاگردان خود یعنی دریگلزوا بیان می کند، قطعاً این مقاله ارزش خواندن را دارد.



چند ماه پیش مصاحبه ای از دریگلزوا منتشر شد که شخصیت او را نشان می داد. اکنون جالب تر است که از طریق لنز مربی مشهور خود در مورد شخصیت او اطلاعاتی کسب کنیم.

مصاحبه اصلی تاتیانا کولچانووا

در جولای ۲۰۱۹، اینا دریگلزوا شمشیرباز کورسکی اهل کورچاتوف و شاگرد مربی برجسته ایلدار ماولیوتوف، دوباره در **مسابقات قهرمانی جهان شمشیربازی بوداپست** پیروزی خود را جشن گرفت. در مسابقات شمشیربازی قهرمانی جهانی سال ۲۰۱۵ مسکو، اینا برای اولین بار مقام اول رقابت های انفرادی را کسب کرد. یک سال بعد در سال ۲۰۱۶ او پیروزمندانه بازی های المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو را فتح کرد. با قهرمانی او در مسابقات جهانی شمشیربازی سال ۲۰۱۷ لایپزیگ و امسال در مجارستان، ایشان موقعیت خود را به عنوان یکی از بهترین شمشیربازان جهان تحکیم کرد. در فینال مسابقات انفرادی مجارستان، او با غلبه بر پائولین رانویر فرانسوی، با امتیازات زیبایی پیروزی خود را

جشن گرفت. او همچنین در بازی های تیمی، با **الیزا دی فرانسیسکا** شمشیرباز ایتالیایی و قهرمان برجسته جهان روبرو شد و بازی شکوهمندی را ارائه کرد.

لازم به ذکر است که در رقابت های انفرادی فلوره بانوان المپیک، نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی و سپس روسیه تنها دو بار به قهرمانی رسیده اند. اولین طلا در بازی های سال ۱۹۶۸ توسط النابلوا از مینسک و اخیرا **جایزه برتر المپیک** به دریگلازوا از تیم روسیه تعلق گرفت.

ممکن است فکر کنید که منطقه کورسک تنها همین ورزشکار منحصر به فرد را به دنیا معرفی کرده است که در شمشیربازی به بالاترین درجه رسیده است. اما با نگاهی به عقب می توانم بگویم که شمشیربازهای متعددی توسط همین مربی پرورش یافته اند. این بدان معناست که ما نباید تنها در مورد خصوصیات شگفت انگیز اینا دریگلازوا بپردازیم، بلکه در مورد استعداد برجسته مربی او نیز باید صحبت کنیم. پس از بازگشت ایلدار مولیوتوف از بوداپست، من نه تنها درباره اینا، بلکه درباره میراث گسترده او در شمشیربازی با او صحبت کردم.

کولچانوا: "پیروزی های شکوهمند شاگردان شما در مسابقات شمشیربازی اروپا را به یاد می آورم. در سال ۲۰۰۶، یانا روزاوینا در ترکیه برنده شد. ایوگنیا لامونوا در سال ۲۰۰۷ در بلژیک برنده شد. او همچنین به عنوان عضو تیم ملی روسیه در سال ۲۰۰۸ در المپیک پکن پیروزی خود را جشن گرفت. بعد از بازی های چین، سه نفر از شاگردان تان یعنی، روزاوینا، لامونوا، و بازیکن جوان تان اینا دریگلازوا، که قهرمان جهان در رده جوانان و نوجوانان آن زمان بود، همه در یک زمان واحد به مرخصی زایمان رفتند. وقتی دو ورزشکار بسیار موفق و یک جوان با استعداد به طور ناگهانی اینگونه فعالیت ورزشی خود را قطع می کنند برای یک مربی چه معنایی دارد؟"



مولیوتوف: "بله، این برای مربی آسان نیست. اما شاگردان دیگری نیز داشتیم که راه طولانی باید با آنها طی می کردیم. در بین آنها، یولیا بیروکووا و کاتیا کوژکینا مدال آوران چند دوره مسابقات قهرمانی جهان تیم ملی روسیه هستند. در غیاب دریگلازوا در سال ۲۰۰۹، کاتیا در رده نوجوانان قهرمان جهان شد. همچنین دیمیتری ژوربچنکو که متعاقبا در مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۱۷ (و برنز مسابقات جهانی ۲۰۱۹) موفق به کسب مدال طلای انفرادی شد. در همان زمان، من با کریستینا سامسونوا شروع به کار کرده بودم که به عنوان قهرمان مسابقات جهانی نوجوانان شد. در مورد دریگلازوا، ایشان در آن مدت تمرین خود را متوقف نکرد. اما دو هفته قبل از زایمان، به او گفتم، "کافی است. اکنون وقت آن است که در مورد کودک خود فکر کنی!" در ماه های آخر قبل از زایمان، ما صرفا روی تکنیک های دست کار می کردیم، و تکنیک های کنترل شمشیر را پلايش می کردیم."

کولچانوا: "و سرنوشت شمشیربازی یانا و اوگنیا پس از تولد فرزندان شان چه شد؟"

ماولیوتوف: "در سال ۲۰۱۰ در جام جهانی روسیه، یانا روزاوینا مدال نقره را کسب کرد. اوگنیا لامونوا عضو تیم ملی روسیه شد و در سال ۲۰۱۰ در معیت تیم در مسابقات قهرمانی اروپا مدال آور شد. سپس در سال ۲۰۱۱ در ایتالیا به عنوان عضوی از این تیم، قهرمان جهان شد. یانا روزاوینا آنقدر خوش شانس نبود. در یکی از اردوهای آمادگی، وی هنگام بازی بسکتبال، دچار پارگی رباط صلیبی شد و مچ پایش آسیب دید. برای مدت طولانی او از فرم خارج شد. سپس دوباره شروع به تمرین کرد، اما دیگر در سطحی نبود که به تیم ملی دعوت شود. اوگنیا لامونوا در سال ۲۰۱۲، هنگامی که برای او مشخص شد که نمی تواند در المپیک لندن عضو تیم شود، فعالیت ورزشی خود را به پایان رساند. در آن مرحله او ورزش را ترک کرد و فرزند دوم خود را به دنیا آورد. اما پیش از آن در سال ۲۰۱۱ لامونوا به همراه دریگلازوا در معیت تیم قهرمان جهان شدند. این پس از بازگشت به ورزش در سال ۲۰۱۰، قهرمان مسابقات جهانی جوانان شد. او همچنین به تیم ملی راه پیدا کرد و در مسابقات قهرمانی اروپا مقام سوم را کسب کرد."



کولچانوا: "اگر قرار بود این سه زن را با هم مقایسه کنید، کدام یک از خصوصیات هریک از آنها را برجسته می دانید؟"

ماولیوتوف: "ابتدا باید بگویم که همه آنها با استعداد و **زحمتکش** هستند، اما حقیقت این است که دریگلازوا به دلیل اینکه بدون توقف کار می کرد، متمایز شد. او به راحتی دستورهای مربی را می گرفت، همه کارها را با دقت انجام می داد، عطش عجیبی برای پیروزی داشت، و همیشه می خواست اول باشد. این عطش به او کمک کرد تا برای رسیدن به بالاترین نتیجه به خودش انگیزه دهد. او خیلی زود فهمید که برای رسیدن به اهداف والای خود، باید بیشتر از دیگران کار کند."

در همان ابتدای سفر خود در ورزش، به نظر می رسید این تشنگی مانع توقف، بازسازی و تفکر اینا شود. او به سختی تهاجم می کرد، و گاهی هم به ضررش نتیجه می داد. روزی کاملاً به یاد دارم که یکی از کارشناسان شمشیربازی که از جایگاه مفسرین او را تماشا می کرد گفت که زمان آن رسیده است که مربی او با به دست گرفتن کابل قرقره، او را از پشت کنترل کند و جلوی حمله های بدون آمادگی وی را بگیرد. اما با گذشت زمان، همه چیز تغییر کرد."

کولچانوا: "از دید روانشناسی شاگرد، مربی چه کاری باید انجام دهد تا کارنامه حرکتی او متنوع شود و در نتیجه بتواند مناسب ترین لحظه برای هر حرکت را انتخاب کند، الگوهای حرکتی را خوب اجرا کند، و حریف را مجبور کند طبق خواسته های خودش بازی کند؟"

ماولیوتوف: "چیز خاصی برای انجام دادن وجود نداشت. لازم بود که صبورانه و مداوم کار کنیم. تنها همین کار را باید می کردیم. کار کردن با اینا آسان بود زیرا او بسیار زحمت کش است. اگر من به او می گفتم که باید روزانه دو بار **درس انفرادی** بگیرد، او با میل و رغبت این کار را

انجام می داد. منظورم در تعطیلات مدرسه وقتی که وقفه هایی در درس خواندن ایجاد می شد. او آماده بود هر چقدر مربی می خواست به تمرین بپردازد. و طی همین تمرینات فشرده است که شمشیرباز شروع به یادگیری تکنیک ها می کند.

این یکی از آن ورزشکاران نادر است که فوراً همه چیز را می گرفت. شما می توانید تکنیک را به او نشان دهید، جنبه تاکتیکی آن را توضیح دهید و او بلافاصله و خیلی سریع تکنیک را روی پیست پیاده می کرد، و در بازی های تمرینی و از همه مهم تر در مسابقات آن را انتقال می داد. در این زمینه او همیشه مرا متحیر می کرد.

امروزه من نسبت به گذشته بیشتر به او انتقاد می کنم. اکنون به نظرم می رسد که او به اندازه کافی از آنچه می داند استفاده نمی کند. در دوره جوانی اش، اغلب به نظر می رسید که حتی وقتی این تکنیکی را به خوبی یاد نگرفته بود، اما بلافاصله آن را به بازی منتقل می کرد. او طوری این کار را انجام می داد که گویی مدتها بر این تکنیک تسلط داشته است. این یک ویژگی بسیار ارزشمندی است! همچنین یکی از خصوصیات بسیار با ارزش او اینکه ایشان از دوران جوانی می دانست که چگونه استراتژی خود را به وضوح و بصورت غیر منتظره ای قبل از حریفان خود تغییر دهد. او اکنون هنوز این ویژگی را دارد، اما در گذشته آن را به طرز حیرت انگیزی انجام می داد، زیرا او هنوز بسیار جوان بود. به نظر می رسید که او یک نوع هوش خدادادی داشت و این خرد ذاتی روی پیست پیاده می شد.



این نیز به زیبایی و با مهارت شمشیربازی می کرد. او به سرعت اوضاع را درک می کرد و به طور مؤثر روی پیست عمل می کرد. در منطقه کورسک ما، همه شاگردان ما روی گارد کلاسیک شمشیربازی می ایستند. ما به این امر توجه ویژه ای داریم، زیرا من معتقدم هر چه ورزشکار در این فنون کلاسیک بهتر باشد، موفقیت بیشتری را کسب می کند. این یک اصل است. من و مربیانم همیشه این مورد را از شمشیربازهای خودمان خواسته و می خواهیم."

کولچانوا: "حالا به المپیک ریودوژانیرو برگردیم. آیا آن نتیجه عالی بخشی از برنامه شما بود؟ شما این را خیلی خوب می شناسید، آیا شما می دانستید که چنین پیروزی به دست خواهید آورد، یا اینکه تنها هدف شما این بود که شاگردتان بازی خوبی ارائه دهد؟"

ماولیوتوف: "به طور خاص، در المپیک ما در مورد کسب مقام اول هیچ صحبتی نداشتیم. ما در مورد این واقعیت صحبت کردیم که ما زیاد کار کرده ایم و این کار نباید هدر داده شود. ما در مورد ترس خود صحبت کردیم، اما برایش تاکید می کردم اینکه حریف نیز به همان اندازه همین ترس را دارد، و چرا ما باید از آنها بیشتر بترسیم؟ من زیاد بر این تاکید داشتم که ما بدون توجه به اتفاق های احتمالی باید خود را جمع و جور کنیم. البته این جنبه از قضیه نقش بزرگی داشت.

اینا گاهی اوقات درهم شکسته می شود. بله گاهی این اتفاق می افتد، و او کنترل خود را از دست می دهد. اما در مسابقات مهمی مانند مسابقات جهانی یا بازی های المپیک، او تا آنجا که ممکن است تلاش دارد تا تمرکز و کنترل خود را حفظ کند.

من پیروزی ها گذشته را آنچنان به یاد نمی آورم بلکه شرایط بحرانی را چرا! این شرایط برای تجزیه و تحلیل در آینده بسیار مهم هستند، جایی که من و اینا می توانیم از آنها درس بیاموزیم.

این اتفاق در لاپیزینگ افتاد که تقریباً در اوایل مسابقه بود که داشت در مقابل فانی کریس مجارستانی بازی را از دست می داد. برایم کاملاً مشخص بود که او هنوز مشغول استراحت است، زیرا او همیشه کریس را به راحتی می برد. من دیدم که او موتور تمرکز رقابتی خود را کاملاً روشن نکرده بود. وقتی بیش از ۴-۵ امتیاز عقب افتاد، تحت فشار شدیدی قرار گرفت. در پایان، او در ثانیه های پایانی مسابقه، ۱۱:۱۴ عقب بود. با این حال او موفق شد خودش را جمع و جور کند و به حرف من گوش کند، و آنچه را مربی به او می گفت بشنود و انجام دهد. و این خیلی به او کمک کرد. این یک ویژگی بسیار با ارزشی است، که بتوانید خودتان را مدیریت کنید و در شرایط بحرانی مدیریت پذیر باشید."

کولچانوا: "گفتید که اینا حرف شما را گوش می کند. این یک امتیاز عالی است!"

مولیوتوف: "بله دقیقاً. باید تأکید کنم که او در مسابقات سطح بالا در شرایط تنش زای فوق العاده به حرف های من گوش می دهد."

کولچانوا: "به طور سنتی، ایتالیایی ها رقبای اصلی ما هستند. آیا در تمرینات و درس های انفرادی روی استراتژی خاصی برای رویارویی با ایتالیایی ها کار می کنید؟"

مولیوتوف: "راستش را بخواهید، من به ندرت روی تکنیک های ویژه ای برای رویارویی با حریف های خاصی با شاگردان خود کار می کنم. آنچه من انجام می دهم توسعه تکنیک های خاص در برابر افراد چپ دست یا راست دست است. من دوست دارم سهولت استفاده از تکنیک ها را علیه شخصی که شمشیر فلوره را در دست راست یا چپ خود دارد، ایجاد کنم."

کولچانوا: "اخیراً، اغلب اتفاق می افتد که درگیری های اصلی و سرنوشت ساز اینا در برابر الیزا دی فرانسیسکای ایتالیایی می باشد. او بازیکن با انگیزه ای است، اما به دلیل عصبی بودن اغلب بصورت آنچه باید، به طور صحیح روی پیست عمل نمی کند."

مولیوتوف: "احسنت، او شمشیرباز بزرگی است. قهرمان المپیک و قهرمان چند دوره جهان است."

کولچانوا: "و او از آن حریف هایی است که به راحتی عصبانی می شود. خوب با چنین حریفی چگونه باید مقابله کرد؟"

مولیوتوف: "این این مورد را در مسابقات جهانی خوب مدیریت کرد. ویژگی بارز داریگلاروا این است که او همیشه آماده بازی مطابق قوانین شمشیربازی است. او از نقض قوانین متنفر است. این او را عصبانی می کند. به عنوان مثال، پشت کردن به حریف یا پوشاندن بدن با سر و ماسک یا با دست غیر مسلح که ایتالیایی ها در این کارها استاد هستند."

من هرگز جام جهانی ۲۰۰۷ را فراموش نخواهم کرد، لامونوا نتوانست به جمع هشت نفر برتر بیبوند، زیرا جوانا تریلینی بازیکن برجسته ایتالیایی هدف قابل قبول خود را دائماً با ماسک می پوشاند. داور فقط یک بار او را جریمه کرد. اینا از چنین رفتاری بسیار آزرده شد. او معتقد بود که این تقلب است و اعتقاد اصلی او این است که در ورزش جایی برای تقلب وجود ندارد. جای شکرش باقی است که در مسابقات جهانی بوداپست، دی فرانسیسکا به سبب این تخلف کارت گرفت. این یک موضوع صرفاً روانی است. وقتی حریف مجازات شد، اینا راضی شد و موفق به ادامه مبارزه شد. همه چیز طبق قانون پیش رفت و همین امر او را ترغیب کرد تا خود را از لحاظ عاطفی جمع و جور کند. به طور کلی، اینا آماده است تا مقابل هر حریفی بازی کند. و تنها بازی غیر شرافتمندانه است که می تواند او را عصبانی کند و باعث از دادن کنترل وی شود. اگر قوانین رعایت شود، او آماده مبارزه است، و در این نبرد نیز بسیار قدرتمند است."

کولچانوا: "آیا اینا در زندگی روزمره نیز به قانون احترام می گذارد؟"

ماولیوتوف: "بله، و بعضی اوقات این امر او را آزار می دهد. او توقع زیادی از خودش و همچنین دیگران دارد. وقتی اینا کوچک بود، در مورد چنین مواردی ساکت بود. اگر او شاهد هرگونه بی عدالتی در زندگی خود بود، آن را بی سر و صدا تحمل می کرد. اما اکنون با توجه به موقعیت خود آن را بیان می کند. او می تواند این کار را بکند چون یک قهرمان است."

کولچانوا: "این خانوادۀ دارد، از جمله دخترش دایانا. او در مورد آینده فراتر از شمشیربازی چه نقشه ای دارد؟ آیا ذهن او تنها درگیر ورزش است؟"

ماولیوتوف: "هم اکنون تمرکز اصلی او روی ورزش است. اما او واقعاً خانوادۀ دوست است، دختر و شوهرش، پدر و مادر، خواهرش و سایر اقوام خود را بی نهایت دوست دارد. او یک زن خانوادۀ است. او دوست ندارد از خانه دور باشد. برعکس، دور بودن از خانوادۀ برای مدت طولانی او را می رنجاند. این مورد در روند آموزش او منعکس شده است. او هنگامی که از خانوادۀ اش دور می شود، عصبی و آزردۀ می شود. به همین دلیل، هر زمانی که امکان داشته باشد سعی می کنیم در شهر خودمان تمرین کنیم."

کولچانوا: "برخی ورزشکاران قادرند به مدت طولانی در ورزش خود فعالیت کنند و برخی دیگر این طور نیستند. به نظر شما اینا تا چه مدتی می تواند خود را در چنین سطح بالایی از شمشیربازی حفظ کند؟"

ماولیوتوف: "رشد هر فردی با دیگری متفاوت است. دی فرانسیسکا در حال حاضر سی و هفت سال سن دارد. **والنتینا وزالی** شمشیرباز برجستۀ ایتالیا تا چهل و دو سالگی شمشیربازی کرد و موفق بود. اینها بازیکنانی هستند که ما به عنوان نمونه ای از فداکاری به آنها نگاه می کنیم. در مورد وزالی باید گفت که کسب مقام اول همیشه برای او یک نیروی محرکه بود، هرچند که من طرفدار شمشیربازی او نیستم. استراتژی او بر بهره برداری از اشتباهات حریف هایش استوار بود. با این حال به نظر من عطش او برای پیروزی همیشه قابل احترام است."

کولچانوا: "آیا شما فکر می کنید اینا مربی خوبی بشود؟"

ماولیوتوف: "نظر دادن در مورد این موضوع دشوار است. چه چیزی باعث می شود که یک فرد مربی خوبی باشد؟ این به آن بستگی دارد که آن فرد دوست داشته باشد آنچه را که دیگران می توانند انجام دهند را به آنها آموزش دهد. در حال حاضر، اینا تمام فکر و ذکر خود را در مسیر رقابت های جدید قرار داده است. اصلی ترین هدف و دیدگاه او المپیک توکیو است. من دوست دارم او در آنجا عملکرد موفقی داشته باشد. تنها چیزی که می تواند جلوی عملکرد خوب او را بگیرد، عطش بیش از حد به پیروزی است، که گاهی می تواند یک ورزشکار را از بین ببرد. برای جلوگیری از وقوع این اتفاق، وظیفۀ مربی این است که او را از این کار باز دارد، در عوض ورزشکار را به صورت صحیح و با روحیه ای مناسب وارد مسابقات کند. وظیفۀ خود ورزشکار این است که بتواند خودش را در هر شرایطی کنترل کند."

کولچانوا: "چرا شمشیربازان خانم شما به بهترین نتیجه می رسند؟ اگرچه نمونۀ دمیتری ژربچنکو نشان می دهد که شما با شاگردان مرد خود نیز به سطح بالایی رسیده اید."

ماولیوتوف: "قبل از حضورم در کورچاتوف در سال ۱۹۸۳ به عنوان مربی، در فلورۀ بانوان موفقیت بیشتری داشتم. من دوران مربیگری خود را در کالوگا شروع کردم، جایی که من دختران جوان با استعدادی داشتم. در کورچاتوف هیچ باشگاه ورزشی وجود نداشت که دختران مدارس بتوانند در ورزش بانوان فعالیت کنند. به طور کلی، ورزش در آنجا به عنوان سرگرمی شناخته می شد. وقتی ثبت نام کلاس شمشیربازی را، با تمرکز روی فلورۀ بانوان اعلام کردم، حدود شصت دختر استقبال کردند. و من حق انتخاب زیادی داشتم."

کولچانوا: "این از سن هفت سالگی با لیدیا صفیولینا تمرین کرده بود، سپس با النا کوژیکینا به تمرین پرداخته بود. چگونه او توجه شما را جلب کرد؟"

ماولیوتوف: "قبل از ورود او به تمریناتم، من سیستمی را ایجاد کرده بودم که به خوبی در باشگاه ورزشی ما عمل می کرد. شاگرد من کالوگا صفیولینا در آموزش مهارت های اولیه شمشیربازی با بچه ها کار می کرد. سپس النا کوژیکینا، که فارغ التحصیل موسسۀ تربیت بدنی اسمولنسک

بود، را به کار دعوت کردم. من اصول مربیگری را به او یاد دادم، که چگونه کار کند، چگونه درس بدهد، و چگونه از مهارت های تکنیکی تاکتیکی مربیگری استفاده کند تا اینکه بتواند همه این دانش را به کودکان انتقال دهد.

این خانم ها توافق کردند که برای دو یا سه سال اول با بچه ها کار کنند، و بعدها خوب ترین آنها را به من واگذار کنند. این خانم ها به من ایمان داشتند و می دانستند که آنها را سرشکسته نخواهم کرد. و من آنها را نومید نکردم. اکنون افتخار می کنم که آنها مربیان بسیار قدرتمندی شده اند، و به درجه مربیان افتخار آور روسیه نائل شده اند (توجه داشته باشید که عنوان مربی افتخار آور روسیه بالاترین درجه مربیگری روسیه است که به مربیانی اعطا می شود که شاگردان آنها به نتایج بین المللی قابل توجهی رسیده اند). یک سال قبل از اینکه اینا شاگردم شود، لیدیا دائماً در مورد او با من صحبت می کرد و از من می خواست که با او کار کنم. بعد از مدتی، با یک درس انفرادی تمرین با دریگلازوا ده ساله را شروع کردم و از آن زمان به بعد هر وقت فرصت داشتم با او کار می کردم.

من یک سیستم خاصی را تنظیم کرده ام که از ده سالگی با شاگردان خود شروع به کار می کنم. من نمی توانم قبل از این سن این کار را انجام دهم، و این یک مسئله کاملاً روانشناختی است."

کولچانوا: "به چه دلیل؟"

ماولیوتوف: "من مدت ها است که خودم این سوال را مطرح کرده ام. تازه همین اواخر بود که دلیل آن را را فهمیدم. وقتی مبحث تکنیک در میان می آید، و بحث در مورد استیل روی پیست بازیکن باشد، من به اهمیت آن می رسم. من به سختی خواستار اجرای تکنیک های فنی به روش های کلاسیک هستم.

من کاملاً به یک چیز اطمینان دارم، و گذشت زمان این نکته را ثابت کرده است، که وقتی شخصی درباره نحوه عکس العمل یا دفاع فکر نکند بلکه تنها به خودش دستور اجرای یکی از اقدامات تاکتیکی را بدهد، او محکوم به موفقیت است. هنگامی شمشیرباز تکنیک کافی نداشته باشد، و یک موقعیت تاکتیکی عالی ایجاد شود، ممکن است ضربه را از دست بدهد یا اینکه آن را به خارج از هدف بزند. وقتی این اتفاق بیفتد، شمشیرباز بازی را می بازد. دفعه بعد نیز که او بخواهد در برابر چنین موقعیت تاکتیکی حرکتی را اجرا کند، بگذارید خلاصه بگوییم، چه نوع واکنشی خواهد شد؟ او یا یک حمله بدون آمادگی را اجرا می کند، یا جز ضد حمله کار دیگری از عهده او بر نخواهد آمد. و این شیوه عمل هیچ نتیجه ای نخواهد داشت."

کولچانوا: "من برای شما و شاگرد برجسته خود اینا دریگلازوا آرزوی موفقیت در بازی های المپیک توکیو دارم، و امیدوارم در نبردهای بعدی تان نیز پیروز شوید!"

ماولیوتوف: "از یک طرف، من از زندگی خودم بسیار راضی هستم. من آدم خوشبختی هستم، فکر می کنم زندگی تا اینجا پاداش های زیادی به من داده است. شاگردان من در المپیک موفق به کسب دو مدال طلای المپیک و نقره شده اند. من به نتایج سه المپیک گذشته بسیار افتخار می کنم. حتی اگر چیز دیگری هم به دست نیاید، خوشحالم که در شمشیربازی بهبودی زندگی نکرده ام.

از طرف دیگر، ما در آینده به دنبال نتایج عالی و سطح بالا خواهیم بود، زیرا من هرگز به موفقیت های گذشته فکر نمی کنم. به طور کلی، پیروزی های به دست آمده در گذشته در زمان حال برایم جالب به نظر نمی رسند."

برگرفته از ترجمه انگلیسی **Academy of Fencing Masters Blog**